پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، انجمن مطالعات جهان اسلام
فصلنامه علمی (مقاله علمی - پژوهشی) پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال دهم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۹، صص ۷۰ - ۴۹

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۰۰۴۰۳

منطقه‌گرایی پارادیپلماتیک با تاکید بر ایران فرهنگی[۱]

مریم خالقی نژاد [۲]
احمد ساعی [۳]
علی اشرف نظری [٤]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۲۱

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

چکیده

با توجه به فراهم شدن زمینه‌ی تغییر و تحولات و نظریه پردازی‌های مختلف در عرصه روابط بین‌الملل در این مقاله تلاش شده است تا با عطف به دو نکته مهم، مطرح شدن پارادیپلماسی در عرصه سیاست خارجی و ارائه نظریه پارادیپلماسی فرامرزی، سپس منطقه‌گرایی نوین، مدل منطقه‌گرایی پارادیپلماتیک را با بررسی کشورهای حوزه ایران فرهنگی ترسیم کنیم. در بررسی‌های صورت گرفته با عطف به وجود اشتراکات فرهنگی و هویتی موجود تایید شد که زمینه‌های شکل‌گیری منطقه‌گرایی پارادیپلماتیک در بین کشورهای حوزه ایران فرهنگی وجود دارد. بنابراین سوال اصلی مقاله این است که چگونه پارادیپلماسی فرامرزی می‌تواند به منطقه گرایی در بین کشورهای حوزه ایران فرهنگی کمک کند؟ در مقابل فرضیه مقاله این است که پارادیپلماسی فرامرزی با استفاده از فرامرزی شدن حوزه کنشگران فروملی و با عطف به نظریه جدید منطقه‌گرایی از یکسو و از سوی دیگر وجود ظرفیت‌های مختلف فرهنگی و اقتصادی در بین کشورهای حوزه ایران فرهنگی، می‌تواند به ارائه مدلی جدید از روابط خارجی تحت عنوان منطقه‌گرایی پارادیپلماتیک منجر شود.

واژه‌های کلیدی: پارادیپلماسی فرامرزی، فرهنگ، منطقه‌گرایی نوین، گفتمان ایران فرهنگی

---

۱. مقاله بر گرفته از رساله دکتری می‌باشد

۲. دانشجوی دکتری رشته علوم سیاسی، دانشکده حقوق و الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران Khaleghinezhad.m@gmail.com

۳. دانشیار مدعوگروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی،تهران، ایران، (نویسنده مسئول) saie@ut.ac.ir

٤. علی اشرف نظری، دانشیار دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ایران aashraf@ut.ac.ir

Copyright © 2010, SAIWS (Scientific Association of Islamic World Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.10.7]

مقدمه

تحولات دهه‌هاي اخير در حوزه روابط بين‌الملل، حاكي از اهميت يافتن نقش و جايگاه فرهنگ در روابط ميان جوامع و كشورها است. در اين دوره، دولت‌ها تلاش مي‌كنند به جاي توسل به شيوه‌ها و ابزارهاي سخت افزاري خشونت آميز و نظامي، از روش‌ها و اهرم‌هاي نرم فرهنگي و هويتي براي دستيابي به منافع و اهداف خود در عرصه‌هاي منطقه‌اي و بين‌المللي استفاده نمايند. از اين جهت است كه امروزه با اهميت يافتن و گسترش كاربرد واژه‌ی ژئوكالچر در عرصه روابط بين‌الملل شاهد انواع جديدي از رقابت‌ها درگسترش نفوذ فرهنگي قدرت‌هاي منطقه‌اي و جهاني هستيم.

تحولات قرن حاضر تحت عنوان جهانی شدن به مثابه یک پدیده و یا فرایند، آثار و پیامد گسترده‌ای را در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و امنیتی برای کشورها به همراه داشته است. این تحولات تاثیر زیادی در محیط بین‌المللی، کم‌رنگ شدن مرزهای جغرافیایی و تحول در مفهوم حاکمیت ملی داشته است؛ به گونه‌ای که در عصر جهانی‌شدن، توجه به سیاست‌ها و اقدامات مشترک و منافع سایر بازیگران، اجتناب ناپذیر گردیده است. در شرایط کنونی به دلیل روند رو به تزاید وابستگی‌های متقابل کشورها، بر اهمیت و نقش بازیگران غیردولتی، افزوده شده و از سوی دیگر حرکت به سمت منطقه‌گرایی و ایجاد سازمان‌های منطقه‌ای، افزایش یافته است. می‌توان گفت که نزدیک‌ترین تأثیر جهانی شدن بر کشورهای منطقه، شتاب گرفتن سیاست‌ها و اقدامات همگرایی در قالب سازمان‌های منطقه‌ای بوده است که متاسفانه نتوانسته است تا حدودی به خود جامه‌ی عمل بپوشاند، اما مهم تر از آن، چگونگی ارتباط و تعامل کشورهای مختلف با جهانی‌شدن است؛ ارتباطی که بتواند تامین‌کننده منافع کشورهای مختلف باشد و از سلطه یک جانبه مداخله‌گرایی قدرت‌های بزرگ جلوگیری نماید. به عبارت دیگر، کشورهای مختلف به خصوص کشورهای منطقه برای حفظ هویت، ارزش‌ها و فرهنگ‌های مشترک و میراث تمدنی خود در عرصه جهانی‌شدن، نیازمند تعریف مجدد مرزها، هویت و تعاملات خود با یکدیگر و با قدرت‌های بزرگ می‌باشند که به نظر می‌رسد راهبردها و سازوکارهای جدیدی را می‌طلبد و سیاست‌های منطقه‌ای موجود، پاسخگوی نیازهای فزاینده کنونی نمی‌باشد(ستوده، ۱۳۸۷: ۹۵-۹۸).

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.10.7]

یکی از فرصت‌های کنونی که پیشتر هم ذکر گردید تحول در دیپلماسی سنتی است که نمونه آشکار آن پارادیپلماسی است. در این مقاله تلاش شده است که با بهره‌گیری از نظریه جدید پارادیپلماسی فرامرزی، به ترسیم مدل منطقه‌گرایی پارادیپلماتیک بپردازیم.

چرا که پارادیپلماسی برخلاف نگاه امنیتی و سیاسی حاکم بر دیپلماسی سنتی می‌تواند فرصت مناسبی برای بهبود تعامل دولت و حتی بازیگران غیر دولتی در جهت منافع ملی را فراهم کند (شکوهی، صفری، ۱۳۹۸: ۴۹). قابل توجه است که نظریه پارادیپلماسی فرامرزی نیز به مانند سایر نظریه‌ها در طول تاریخ نخواهد توانست تمامی مشکلات کشورها را حل و فصل کند اما با عنایت به امکانات موجود می‌تواند قسمتی هرچند کوچک و شاید در دوره طولانی بزرگتری از پیشرفت و توسعه بشریت را به دوش بکشاند.

بدین منظور سوال اصلی مقاله آن است که پارادیپلماسی چگونه می‌تواند مدل جدیدی از منطقه‌گرایی ایجاد نماید؟

در پاسخ فرض مقاله بر آن است که پارادیپلماتیک با استفاده از فرامرزی شدن حوزه کنشگران فروملی و با عطف به نظریه جدید منطقه‌گرایی از یکسو و از سوی دیگر وجود ظرفیت‌های مختلف فرهنگی و اقتصادی در بین کشورهای حوزه ایران فرهنگی، می‌تواند به ارائه مدلی جدید از منطقه‌گرایی پارادیپلماتیک کشورهای حوزه ایران فرهنگی منجر شود.

روش این پژوهش به صورت تحلیلی و تبیینی با استفاده از منابع اصیل و دارای اعتبار است. همچنین ابزار گرداوری مطالب به صورت کتابخانه‌ای، اسنادی می‌باشد.

الف- چارچوب نظری: پارادیپلماسی فرامرزی

از آنجا که جهانی‌سازی توانایی دولت‌های ملی را برای اجرای مستقل سیاست‌های مؤثر کاهش می‌دهد، کنشگران دولتی متوجه شده‌اند که در برخی موارد ضرروت حاکمیت برای ورود به مرحله جهانی ضروری نیست بلکه از کنشگران فروملی برای ترویج منافع خود در سطح بین‌المللی از پارادیپلماسی و دیپلماسی غیر رسمی استفاده می‌کنند.

پارادیپلماسی با هدف افزایش قدرت ملی می‌تواند به مفهومی تبدیل شود برای دستیابی به برنامه‌های بین-المللی و اقداماتی مانند ایجاد دفاتر و انجام برخی ماموریت‌های مختلف فرهنگی و یا تجاری در خارج از کشور و یا در سازمان‌های منطقه‌ای یا بین‌المللی و در

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.10.7]

کنفرانس‌ها و شبکه‌های منطقه‌ای یا بین‌المللی.

بازیگران فروملی به عنوان برخی از مهمترین بازیگران قرن بیست و یکم در هر دو عرصه ملی و بین‌المللی ظاهر شده‌اند. در برخی زمینه‌ها کشورها نتوانسته‌اند برخی موانع میان ارتباطات ملت‌ها را برطرف کنند، اینک در حال یافتن راه‌حل‌هایی در سطح فراملی، منطقه‌ای و فرعی هستند که برخی از اقدامات از طریق پارادیپلماسی قابل تبیین است. چه بسا بیشتر شدن روابط میان کشورها نشان از جهانی سازی اقتصادی، تمرکزدایی و افزایش فعالیت‌های پارادیپلماتیک است. این پویایی فراملی برای یافتن راه حل مشکلات مشترک جهانی و منطقه‌ای از طریق راه‌های فعلی و پیشبرد اشکال جدید همکاری‌های چند جانبه بسیار مهم است. سازمان ملل متحد نوشته‌ای دارد که شاید مختص دولت‌های فدرال است که "حاکمیت غیر متمرکز ، طبق برنامه توسعه سازمان ملل متحد[1]، هنگامی که با دقت برنامه‌ریزی شده، به طور مؤثر اجرا و مدیریت کافی صورت گیرد، می‌تواند منجر به پیشرفت چشمگیر در بهزیستی شهروندان در سطح محلی شود و تأثیر تجمعی آن می‌تواند موجب تقویت زندگی انسان شود (undp,2004: 2)" . از دید این نوشتار اگر دولت‌های غیر فدرال با زمینه‌های پارادیپلماسی فراوان بتوانند در قالب چارچوب‌های دولتی و قانونی به پارادیپلماسی بهای بیشتری بدهند چه بسا نتایج آن در اینگونه کشورها نیز پیشرفت مناسبی را برای توسعه فرهنگی و اقتصادی ملت فراهم اورد. بدین گونه که برخی کنشگران فراملی نسبت به نیازهای شهروندان پذیراتر هستند و بیشتر با مشکلاتشان سازگار هستند و از این‌رو انتقال ابعادی از مسئولیت به سطوح پایین‌تر از دولت می‌تواند به سیاست‌گذاری مؤثرتر کمک کند.(Martinez, 2017: 100-109)

در کل سیاست خارجی امروز با آنچه که "دیپلماسی چند لایه" توصیف شده است مشخص می-شود(Hocking, 1993: 3). این به معنی مشارکت بازیگران در سطوح فراملی در روابط بین‌الملل است، در آنچه که دوکاکک[2] (۱۹۹۰) آنرا "پارادیپلماسی" نامیده است. بسیاری از کشورها از طریق پارادیپلماسی فرهنگی توسط کنشگران مانند شهرها به تقویت ارتباطات بین‌المللی خود پرداخته‌اند و همچنین موجب برندسازی فرهنگی برای آنان شده است که بارسلونا نمونه بارز این امر در کشورهای غربی است که شاهد تاثیرگذاری این روش بر شخصیت فردی و یا شناساندن این شهر در جهان و روابط بین‌الملل شده‌ایم. شهرهایی که

1. Undp

۲. یا دوچاچک

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.10.7]

فرهنگ را به عنوان میراث یا هنر به عنوان شیوه‌های زندگی صادر می‌کنند، به عنوان بخشی از پروژه‌های برندسازی شهرها می‌تواند به صورت نمادین به هویت‌های دیگر متصل شود و از نظر استراتژیک در معرض اهداف متنوع سیاسی و اقتصادی قرار گیرد.در چارچوب جهانی سازی فرهنگی و اقتصادی، ظهور پارادیپلماسی فرهنگی با تشدید "برندسازی فرهنگی" به عنوان ابزاری برای رقابت جهانی میسر است. به عنوان بخشی از این پیکربندی که اغاز شده است کنشگران فروملی به طور پیوسته سطح مداخلات خود را در عرصه‌های بین المللی و ایجاد شبکه‌های جهانی افزایش داده و توسعه سیاست‌های فرهنگی برخی کنشگرن فروملی چالشی برای درک سنتی دیپلماسی است. (Zamorano and Rodriguez morato, 2015, 2)

اگرچه نباید از برخی مساله سازی‌ها و چالش‌های اثرات فراملی سازی اقتصاد و گسترش برندهای فرهنگی در عملی‌سازی پارادیپلماسی غافل شد. اما مهم نحوه به کارگیری و مدیریت این امر است که می‌تواند به مقابله با چالش‌ها نیز میسر افتد. در این بین نظریات پارادیپلماسی که قبلا مطرح شد بر ویژگی موقعیت جغرافیایی و مرزهای مشترک تاکید فراوانی داشتند اما در این نظریه پارادیپلماسی فرامرزی طبق بررسی-های صورت گرفته و تشریح سازوکارها در فصل مربوطه رساله، مرزهای جغرافیایی برداشته شده و مرزهای و اشتراکات فرهنگی را بیشتر تاکید داریم تا بتوان زمینه فعالیت کنشگران را به فراتر از مرزهای جغرافیایی همسایگان برد و زمینه روابط بین کشورهایی که مرز مشترک ندارند را فراهم نمود. دلایل بسیاری برای این امر وجود دارد که یکی از مهمترین دلایل این امر تاثیر فرهنگ و گرایش ملت‌ها به هم نوعان خود می‌باشد. این امر حتی در بسیاری از کشورها می‌تواند تهدیدهای کنشگران فروملی را به فرصت تبدیل کند و با توجه به ظرفیت‌های موجود باعث باز افرینی روابط ایران با قومیت‌های فرامرزی در دیگر کشورهای منطقه شود. برای به کارگیری این نظریه ابتدا باید منظور از منطقه‌گرایی را مشخص نماییم که در ادامه به آن پرداخته شده است.

ب)-منطقه گرایی نوین

در این چارچوب منطقه‌گرایی معطوف به تعمیق گسترش فرایند همکاری اقتصادی و سیاسی و فرهنگی میان دولت‌ها و سایر بازیگران در یک منطقه جغرافیایی خاص است. گرچه تجلی این مفهوم در جهان واقع ، عمدتا در بسط همکاری‌های تجاری بوده است. در تعاریفی

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.10.7]

که از منطقه ارائه شده است و نسبت به آن اجماع نسبی وجود دارد، آنرا با ترکیب شاخص‌های چون قرابت جغرافیایی، تعاملات گسترده، چارچوب‌های نهادی و هویت‌های فرهنگی مشترک تعریف می‌کنند؛ امری که همه تعاریف منطقه به آن تاکید دارند، آن است که این مفهوم پویاست و تعاریف مناطق بر اثر تحولاتی که در آنها رخ می‌دهد، دچار تغییر می‌گردد. اصطلاح منطقه‌گرایی نیز معطوف به بررسی و پایش جنبه-های همکاری‌های منطقه‌ای است که در رشد تعاملات اقتصادی و اجتماعی و شکل گرفته و در هویت و آگاهی منطقه‌ای تجلی می‌یابد. در واقع منطقه‌گرایی محصول افزایش تبادل کالاها و ایده‌ها و تعامل مردم در درون یک منطقه خاص است که به گونه‌ای روزافزون منسجم‌تر می‌گردد. برای فهم منطقه-گرایی باید به چهار مفهوم وابستگی متقابل، عملگرایی، منطقه‌گرایی و جهانی شدن عنایت ویژه داشت. مفهومی وجود دارد که با حوزه منطقه‌گرایی و همگرایی پیوند تنگاتنگی دارد و آن وابستگی متقابل است بدین معنا که وابستگی متقابل وضعیتی در روابط دو جانبه است که در آن هزینه‌های قطع روابط یا کاهش تعاملات میان طرفین برای هر دو تقریبا یکسان باشد. منطقه‌گرایی می‌تواند در درو فرایند متفاوت رخ دهد : منطقه‌گرایی از پایین[1] که از سوی بازیگران غیر دولتی و به ویژه با اراده شرکت‌ها برای سرمایه گذاری در درون منطقه خود و نیز با تعامل رشد یابنده مردم یک منطقه با یکدیگر رخ می‌دهد و منطقه گرایی از بالا[2] که با اقدامات سیاسی دولت‌ها برای ایجاد واحدهای منطقه‌ای منسجم و اتخاذ سیاست‌های مشترک در چارچوب این واحدها شکل می‌گیرد. اما اکنون عده‌ای بر این باورند که موج دوم نظریه پردازی منطقه‌گرایی، دولت محوری کنار گذاشته شده است و منطقه-گرایی‌های گوناگون مورد تبیین نظری قرار گرفته است. به طور مشخص دو نوع منطقه‌گرایی در این مرحله بیان شده است: منطقه‌گرایی رسمی[3] و منطقه‌گرایی غیر رسمی[4]. منطقه‌گرایی رسمی گونه‌ای از همگرایی منطقه‌ای است که با محوریت دولت‌ها و تصمیمات سیاسی و چانه زنی‌های آگاهانه صورت می‌گیرد. به بیان دیگر منطقه‌گرایی از بالا است. اما منطقه‌گرایی غیر رسمی به وسیله پویایی‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی حاصل

1. Regionalism from below
2. Regionalism from above
3. Formal regionalism
4. Informal regionalism

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.10.7]

می‌شود، پویایی‌هایی که معطوف به ایجاد یک محیط فراملی برای تعامل بازیگران غیر دولتی است. نکته پر اهمیت آنکه عبور از دولت محوری و نگاه به دولت به عنوان یک بازیگر در میان انبوه بازیگران در روند منطقه‌گرایی نوین، در قالب رویکرد متدلوژیک پلورالیستی، نظریه پردازی شده است. در این رویکرد تکوین گرایی[1] بسیار اهمیت دارد که در تبیین این تکوین- گرایی آنچه اهمیت دارد هویت است. هویت در ساده‌ترین تعریف عبارت از فهم خود در رابطه با دیگری است و معطوف به ویژگی‌هایی است که یک فرد را از دیگران متمایز می‌کند. احساس هویت به عنوان یک برساخته اجتماعی در ملت شکل می‌گیرد. از این نظر سیاست و اقدامات بازیگران از تصوری که از هویت و منافع ملی خود دارند متاثر می‌شود. در این مسیر اینکه بازیگران به یک گروه وابسته باشند، به تدریج باعث می‌شود منافع ملی و اولویت‌های استراتژیک آنها باز تعریف شود. در این چارچوب بازیگران صرفا در پی اهداف مادی نیستند بلکه انگیره‌های هنجاری و ایدئولوژیک و نیز هویت آنان الهام بخش است. به بیان بهتر مرکز ثقل رویکرد تکوین‌گرایی در بحث منطقه‌گرایی این نکته است که تاثیرات دگرگون کننده‌ای بر منافع و هویت‌ها دارد. در این چارچوب یکی از کارکردهای اساسی منطقه‌گرایی ایجاد اعتماد و روابط دوستانه میان بازیگران است و در اثر این کارکرد، منافع و اولویت‌های آنان و نیز نگاهشان به یکدیگر دگرگون می‌شود. در این نوع از منطقه‌گرایی منطقه صرفا بر اساس عنصر سرزمین و قرابت جغرافیایی تعریف نمی‌گردد و عناصر جدیدی را نیز مدنظر گرفته‌اند. برخی با شاخص‌هایی چون تعاملات متقابل، تشابه نگرش‌های بازیگران، ارزش‌ها و تجارب مشترک، منطقه‌گرایی را تعریف می‌کنند(mattli,1999: 21) .. برخی‌ها برای منطقه بودن یا شدن[2] پنج درجه را تعریف کرده‌اند:

۱- منطقه به عنوان واحد جغرافیایی

۲- منطقه به عنوان سیستم اجتماعی که در درون آن روابط فراملی و فروملی بین بازیگران مختلف برقرار می‌گردد. این روابط به یک مجموعه امنیتی شکل می‌دهد که در آن بازیگران به لحاظ امنیتی به یدیگر وابسته می‌گردند.

۳- منطقه به عنوان محل تجلی همکاری‌های سازمان یافته در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی با نظامی

1. Constructivism
2. Region's

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.10.7]

۴- منطقه به عنوان " جامعه مدنی". با این تعریف منطقه هنگامی شکل می‌گیرد که چارچوب‌های نهادینه موجب تسهیل ارتباطات اجتماعی و ترویج همگونی ارزشی را در سراسر منطقه فراهم آورند.

۵- مناطق می‌توانند به عنوان بازیگران جمعی[1] یا بین المللی، برخوردار از حقوق و هویت خاص، دارای قابلیت یک بازیگر و میزان معینی از مشروعیت و ساختارهای تصمیم ساز، بروز و ظهور یابند (mattli,1999: 21) .

درواقع نظریه‌پردازان جدید منطقه‌گرایی معتقدند که دولت‌ها همچنان بازیگران کلیدی در شکل‌دهی به مناطق هستند اما با این وجود منطقه‌گرایی را یک فرایند چندوجهی و چند بازیگری دانسته و در تحلیل آن به بازیگران غیر دولتی نیز توجهی خاص دارند. از منظر آنها مرزهای منطقه سیال و نفوذپذیر هستند. مناطق در وهله اول و اول برساخته‌های تصوری هستند که بر مبنای تعاملات اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و نیز بازیگرانی که درگیر این تعاملات هستند، شکل می‌گیرند. این بازیگران و نوع تعاملات آنان در فضاهای خاص، تحول و تکامل می‌یابند (weber D, 2010: 32-35). در این نظریه منطقه‌گرایی به جای تلاش برای یک نظریه کلان در مورد منطقه‌گرایی، تنوع منطقه‌گرایی مورد قبول واقع شده است و تاکید کمتری بر نقش بازیگر رسمی دولت است و در مقابل تاکید بسیار زیادی بر اهمیت هنجارها، ایده‌ها، هویت‌ها در شکل دهی به منطقه صورت گرفت. نهایتا اینکه ایران ارتباط نزدیک منطقه‌گرایی با محیط بیرونی، به ویژه فرایند جهانی شدن و نظم بین‌المللی مورد توجه واقع شده و متن تاریخی در تحلیل منطقه‌گرایی مورد تاکید قرار گرفت (شریعتی‌نیا و توحیدی، ۱۳۹۳: ۱۲-۲۱). چنین تحولی بدان معنا نیست که پروژه دولت ملی به معنی دقیق کلمه دیگر منسوخ شده است. بلکه در حال حاضر دولت یگانه عامل توسعه است که توانایی آسان‌تر کردن حصول نوعی روند ذیل به صدری توسعه را دارد که سرزمین‌نگرتر باشد مشروط بر اینکه بتوان با برقرار ساختن توازن شایسته میان سطوح مختلف جامعه اعم از محلی، ملی یا منطقه‌ای، نیاز به حسن اداره‌گری را براورده ساخت(هتنه و دیگران، ۱۳۹۲: ۴۷۲-۴۷۴ و Abrahamson and Nilsson, 1995). در حال حاضر وجه مشخصه‌ی اقتصاد جهان را روند شتابان منطقه‌ای شدن جهان تشکیل

1. collective

فصلنامه علمی -پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.10.7]

می‌دهد. این تحول تااندازه زیادی بازتاب نیاز رهبران سیاسی به اعاده کنترل بر نیروهای بازار از طریق افزایش همکاری در سطح مناطق است. این مناطق مشابه نیاز دارند که در این روند، فعالیت‌های اقتصادی خود را روی بازسازی ملی متمرکز سازند .برچیده شدن بساط جدایی نژادی حکایت از بروز الگوهای تازه‌ای از ستیز دارد که با آنها باید در سطح منطقه برخورد کرد که شاید پارادیپلماسی یکی از راه‌های از بین بردن این ستیز باشد. گذشته از این‌ها تقویت همکاری منطقه‌ای مجال تحرک برای توسعه‌ای متفاوت را افزایش خواهد داد مشروط بر آنکه این توسعه متفاوت بیشتر متوجه سطح محلی و بسیج منابع محلی باشد تا متوجه سطح جهانی یا درون منطقه‌ای.

از دیگر مولفه‌های مهم منطقه‌ای شدن یکی انطباق منافع و فرصتی ساختاری برای تغییر است که انطباق موجود منافع نخبگان متفاوت در هر منطقه فرصتی ساختاری برای تغییر قواعد نظم کنونی جهانی فراهم اورده است که در دوران جنگ سرد کمتر بود.

مولفه دیگر وجود نیروهای متعامل است

دگرگونی‌های کنونی باعث شده است که التزامات اقتصادی و مقتضیات بوم‌شناختی و امنیتی، کشورها و جوامع را به سمت همکاری در بستر گونه‌های تازه‌ای از چارچوب‌های منطقه گرایانه سوق می‌دهد.

در این بین شمار فزاینده‌ای از دولت‌ها دریافتند که فاقد توانایی لازم برای دستیابی به برخی از اهداف در سطح ملی هستند. اکنون نزدیک به دو دهه است که در تمامی بخش‌های جهان گرایش تازه‌ای به سمت منطقه‌گرایی پا گرفته است. منظور از منطقه‌گرایی هم پدیده عمومی منطقه‌گرایی هست و هم ایدئولوژی منطقه‌گرایی، یعنی اشتیاق برقراری نظمی منطقه‌گرایانه در یک پهنه جغرافیایی خاص یا به عنوان نوعی نظم جهانی(هتنه و دیگران، ۱۳۹۲: ۲۰-۲۱). منطقه گرایی خواسته یا ناخواسته می‌تواند در عین حال راهی به سوی جهان‌گرایی باشد.

نکته مهم آنکه با توجه به اینکه افزایش همگرایی‌ها بین کشورها، تضمین کننده صلح و امنیت جهانی خواهد بود، باید مؤلفه‌هایی را جستجو کرد که سطح واگرایی سیاسی را کاهش و همگرایی‌های سیاسی را افزایش دهد. مساله‌ای که اکثر نظریه پردازان مهم جهت ایجاد همگرایی‌های سیاسی بر آن تاکید می‌ورزند، توجه به مشترکات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.10.7]

است. اگر برخی اشتراکات بین دولت و کشورها وجود داشته باشد، می‌توان از آنها بعنوان مؤلفه‌های همگرایی استفاده کرد. اما در صورت نبودن اشتراکات بین کشورها، باید برای ایجاد مؤلفه های همگرایی‌های سیاسی تلاش نمود. در اینجا است که هم‌افزایی فرهنگی به عنوان اقدامی مؤثر و مشترک، می‌تواند بصورت دو جانبه، چند جانبه، منطقه‌ای و بین المللی میان کشورها برقرار باشد و نیازمند مشارکت کشورهای مختلف جهت تدوین نقشه راه است. کشورهای آسیای مرکزی توجه فراوانی به حفظ ارزش های قومی هر کشور دارند. به همین علت، گسترش همگرایی فرهنگی میان ملت‌های منطقه فقط در صورت توجه به هویت ملی، قومی، مذهبی و زبانی هر یک از آنها امکانپذیر است. ایران، آسیای مرکزی و قفقاز با داشتن ظرفیت‌های فرهنگی و فراملی، با تقویت هم‌افزایی فرهنگی از طریق ترسیم نقشه راه قطعا می‌توانند اختلافات خود را کاهش داده و با توجه بیشتر بر اشتراکات، پشتوانه مطمئنی برای همکاری‌های آینده در منطقه ایجاد کنند(کریمی ریابی، ۱۳۹۷).

بسیاری بر این عقیده هستند که برای عملی کردن منطقه‌گرایی نوین نیاز به یک سازمان و یا جمع قوی و قدرتمند است. سازمان و جمه یا گروه منطقه‌ای که در واقع، تجلی اراده و خواست دولت یک منطقه برای همگرایی است، بیش از هر چیز نیازمند ساخت تصاویر ذهنی مشترک منطقه‌ای می‌باشد. در این مرحله، دیپلماسی منطقه‌ای از نقش و اهمیت بسزایی برخوردار است و باید از راه‌های مختلف موجود که امکانپذیر است بتواند به تحقق ایستارها، باورها، ارزش‌ها و منافع مشترک منطقه‌ای، کمک نماید تا به تغییر وفاداری-ها بینجامد که یکی از این راه‌ها همانطور که ذکر رفت به میدان اودرن کنشگران فروملی است. در حال حاضر، آنچه سیاست‌های منطقه‌گرایی نوین را با مانع مواجه می‌سازد، ایستارها و تصاویر ذهنی غیرواقعی متقابل کشورهای منطقه، به ویژه دولت‌های اسلامی است. ایجاد تصاویر ذهنی مثبت و احترام گذاشتن به عقاید، ارزش‌ها و باورهای طرف مقابل، نه تنها به افزایش اعتمادسازی می‌انجامد، بلکه از تعصبات غیرواقعی و غیرمنطقی می‌کاهد و زمینه‌های همکاری و همیاری را افزایش می‌دهد. در این راستا، دیپلماسی همه جانبه، سازوکار مؤثر و کارآمدی برای تقویت تعاملات درون منطقه‌ای و میان منطقه‌ای کشورهای منطقه، و در نتیجه، افزایش قدرت کشورهای اسلامی محسوب می‌شود؛ سازوکاری که می تواند در مدیریت تحولات نوین جهانی و نحوه تعامل با

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.10.7]

قدرت‌های مداخله‌گر، مؤثر واقع شده و از میزان اعمال سلطه آنها بر مناطق کشورهای منطقه بکاهد(ستوده، ۱۳۸۷: ۹۹-۱۱۱).

با عطف به موارد گفته شده از منطقه‌گرایی و و لزوم توجه به منطقه‌گرایی خرد توسط بازیگران ریز یا به عبارتی منطقه‌گرایی از پایین به معنای کنارگزاشتن دولت به عنوان اداره کننده اصلی نیست بلکه از یکسو به معنای قدرتگیری بازیگران فروملی و ریز و فراتر رفتن درخواست‌های همکاری آنان و از سوی دیگر یه معنای درخواست و نیاز به اهمیت دوباره ارزش‌ها، هنجارها و به طور کلی فرهنگ هرچند خرد و یا کلان در روابط و مناسبات در مقابل برخی اصول سیاسی و یا کمرنگ شدن این امر می‌باشد. انچه که در طول سالیان اخیر شاهد بوده‌ایم تاکید بر اصول سیاسی و منافع سیاسی در جهان بوده است که نظام بین‌الملل و اوضاع کنونی ماحصل آن می‌باشد. اکنون به نظر می‌رسد کنشگران فروملی با عطف به محدودیت در سال‌های گذشته در سراسر جهان، خواهان باز شدن مسیر دوباره عملگرایی آنان در سیاست و روابط بین-المللی هستند و این خواسته تحت تاثیر جهانی شدن و امکانات ناشی از آن روز به روز بیشتر می‌شود. کنشگران فروملی بسیاری در عرصه پارادیپلماسی فرامرزی در خصوص ارتباطات خارجی تاکید بر هنجاره و ارزش‌ها و به طور کلی فرهنگ برای باز سرگیری و یا باز نوکنی ارتباطات فراملی دارند که به نظر آنان مثمر ثمر بودن آن بیشتر از هر عنصر دیگر در جامعه مدنی و مخاطبان می‌باشد. بنابراین نه تنها در عرصه منطقه‌گرایی چه بسا با فراهم اوردن امکانات چنین روابطی در عرصه جهانی بتوان شاهد دور جدیدی از روابط بین الملل و نوع متفاوتی از روابط در طول تاریخ بود.

با توجه به اینکه مقاله برگرفته از رساله است طبق بررسی‌های صورت گرفته در دوفصل به طور مجزا در خصوص ظرفیت‌های پارادیپلماتیک فرهنگی و اقتصادی میان ۱۱ کشور مختلف در حوزه ایران فرهنگی مانند عراق، ترکیه، افغانستان، پاکستان، تاجیکستان، اذربایجان، ارمنستان،ترکمنستان، قزاقستان، هند و روسیه، در کشورهای نام برده در حوزه فرهنگی اعم از وجود اشتراکات تاریخی و فرهنگی مانند : قومیت، زبان، مذهب، اداب و رسوم و جشن‌هایی مانند نوروز و یلدا، مفاخر و مشاهیر، معماری و علوم و یا در حوزه اقتصاد میزان تجارت و رد و بدل شدن کالاها و از سویی نیازهای کشورهای مربوطه وجود ظرفیت‌های مختلف و زمینه‌های

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.10.7]

انجام روابط پارادیپلماتیک فرامرزی تایید شد اگرچه برخی از این قبیل نیازها از سوی برخی دیگر از کنشگران تامین می‌شود جای دارد که راه‌های بیشتری را برای اختصاص حجم وسیعی از این ارتباطات به ایران و کشورهای همسو تعلق گیرد که یکی از راه‌های کارامد پارادیپلماسی فرامرزی می-باشد.

ج)- منطقه گرایی نوین پارادیپلماتیک: کشورهای حوزه ایران فرهنگی

در پژوهش حاضر با عطف به بررسی‌های صورت گرفته در کشورهای مختلف به خصوص منطقه خاورمیانه ، تایید شده است که خاورمیانه در این محور از جایگاه بسیار مهم و شاید برتری در جهان برخودرا باشد. خاورمیانه دارای ویژگی‌های یگانه و شاخصی است که نظیر آن را در کمتر منطقه‌ای از جهان می‌توان یافت، در این منطقه شش نژاد گوناگون در کنار هم زندگی می‌کنند. خاورمیانه مهد ظهور سه دین متفاوت یعنی اسلام، مسیحیت و یهودیت است. فرهنگ موسوم در خاورمیانه اساسا بر اصول مذهب اسلام بنیان گذاشته شده است(جوادی، ۱۳۸۴: ۲۶)

عنصر مهم دیگری که بر اهمیت منطقه خاورمیانه افزوده است و آن را به یکی از کانون‌های فرهنگی مهم تبدیل کرده است، وجود زادگاه‌های مختلف از جمله تمدن اسلامی در منطقه می‌باشد که به مثابه تمدنی رقیب با تمدن غرب به ویژه تمدن لیبرال مسیحی حاکم بر اروپا و امریکا به حساب می‌آید. بسیاری از پژوهشگران حوزه تمدنی در غرب از جمله هانتیگتون، آینده روابط این دو تمدن مهم در عرصه جهانی را آینده جهان تلقی می‌کنند (معینی الدینی، ۱۳۸۶: ۶۳-۶۴).

با توجه به قرار گرفتن ایران در خاورمیانه و همچنین اشتراکات تاریخی که باعث هم‌ترازی بسیار نزدیک با فرهنگ‌های خرد و کلانِ کشورهای دیگر شده است می‌تواند با توجه به تحولات اخیر و اهمیت یافتن ژئوکالچر در عرصه بین الملل و مناسبات میان کشورها، با به کارگیري بهینه‌ی موقعیت، جایگاه، امکانات، فرصت‌ها و ظرفیت‌هاي فرهنگي خود، از وضعیت موجود براي گسترش نفوذ فرهنگي و قلمرو تمدني خویش در مناطق وسیعي از جهان به ویژه در شبه قاره‌ی هند و کشورهای حوزه ایران فرهنگی و ایران باستان استفاده نماید. جغرافیاي فرهنگي ایران بسیار گسترده‌تر و فراتر از مرزبندي‌هاي جغرافیایي و رسمي کنوني است و شعاع بسیار

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.10.7]

وسيعي را در بر مي‌گيرد. طي قرن‌هاي متمادي، بخش‌های وسيعي از آسياي صغير تا بين النهرين، هند و آسياي ميانه، تحت تأثير فرهنگ و تمدن ايران زمين بوده‌اند و سيطره‌ی تمدني ايران هنوز هم مي‌تواند در بخش‌هاي وسيعي از جهان، ظرفيت قابل توجهي را در پيشبرد اهداف نظام جمهوري اسلامي و ديپلماسي عمومي و فرهنگي آن فراهم كند(كاظمی، ۱۳۸۹، ۷۳).

لذا در این مقاله بر آنیم که ایران می‌تواند به عنوان پرچمدار و محرک اصلی این امر در منطقه عمل نماید چرا که از نظر تمدنی و تاریخی در منطقه هیچ کشوری یافت نمی‌شود که همانند ایران اشتراکات زیاد تاریخی و فرهنگی با دیگر کشورها داشته باشد و باید این نکته را متذکر شد که ایران تنها کشوری است که در روزگاران گذشته کشورهای مختلفی مانند عراق، افغانستان، پاکستان ، بحرین و ... نیز جزیی از قلمرو وسیع آن بوده است. بدین منظور از آنجایی که در پژوهش‌های مختلف و کتب مختلف راجع به تمدن عظیم و فرهنگ عظیم ایران در گذشته و قلمرو آن گفته شده است از تکرار مکررات می‌پرهیزیم.

درخصوص تمدن ایران باستان نکته مهمی باید در ذکر شود که تمدن ایرانی نیز به مانند هر تمدن دیگر در طول تاریخ خود برخی شاخص‌ها را ممکن است از دیگر تمدن‌ها وام گرفته باشد اما این تاثیرپذیری را توانسته است که در دل خود جای داده و با فرهنگ و اداب و رسوم خود مطابقت دهد. همانطور که در بسیاری از منابع ذکر شده است که ایران باستان را گفته‌اند از دیگر تمدن‌ها وام گرفته است، می‌توان اذعان نمود که این تاثیرگذاری را با ذوق و سلیقه خود هماهنگ نموده تا انجا که عنصر تازه وارد به هیچ وجه با مفاهیم نخستین خویش سازگاری ندارد و سراسر رنگ ایرانی به خود گرفته است و اکثر در تمدن و فرهنگ ایرانی مصدقی دیگر یافته است و سرانجام با معنویات جامعه ایرانی سازگاری پیدا کرده است. ویژگی دیگر که در دوران‌های گذشته ایران به چشم می‌خورد طرد عناصر کهنه و قبول پدیده‌های تازه و نو است که همین فرهنگ ایرانی را زنده و متحرک و نو جلوه‌گر ساخته و از کهنگی و پوسیدگی بدور داشته است و این خاصیتی است که در دوره‌های مختلف مثلا در دروه هخامنشی فرهنگ هخامنشی را فرهنگی بارور و گرانبار و زنده معرفی می‌کند(قدیانی، ۱۳۸۱: ۵۶). بیشتر محققان و مورخان جهان در این جهت اتفاق نظر دارند که قسمتی از پیشرفت‌های علوم و تمدن بشری مدیون فرهنگ و تمدن ایران چه پیش از اسلام و چه پس از آن می‌باشد و ایران سهم قابل ملاحظه‌ای

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.10.7]

و شایان توجه در پیشرفت بشریت داشته است (مهرین،۱۳۳۸: ۱۳-۱۴). همچنین دارمستتر نیز بیان کرده است که " در تاریخ بشر، ایران عامل بسیار مهمی است، زیرا در عین این که توانسته است کمک بزرگی برای اختلاط ملت‌های مختلف باشد، در عین حال در توسعه و بسط منطقی بشریت چیزهای گران‌بها و پر ارزشی آورده است بدین طریق نقش ایرانیان در انتقال تمدن هرچند از نقش رومیان و یونانیان مشهورتر نیست، ولی صدبار از نقش آنها مهم‌تر و قابل ملاحظه‌تر است (حقیقت، ۱۳۸۹: ۱۷)

آلبرماله نیز در تاریخ ملل شرق و یونان می‌نویسد: ایرانیان پیش از اسلام در فرهنگ و تمدن دارای خصوصیات و امتیازاتی بودند که در میان سایر ملت‌ها و اقوام موقع و مقامی با شکوه احراز کرده است (ماله و ایزاک ، ۱۳۶۳: ۱۳۶). این بیان نمودار شکوه فرهنگی ایران است که از خامه پژوهشگر غیر ایرانی تراوش کرده است. بدیهی است چنین فرهنگی توانست در طول تاریخ زندگانی بشر، تمدن‌های شکوفایی را به وجود آورد، در سایه چنین فرهنگی و روش‌های انسانی اقوام پارسی توانستند انظار مردم دنیای کهن را به خود جلب نموده و فرهنگ و تمدنی را به وجود آورند که در حد وسیعی الگو و سرمشق جهان قدیم بود (حقیقت(رفیع)، ۱۳۸۹: ۲۱-۲۹). تمامی موارد گفته شده نشان از فرهنگی فراگیر در دوره باستان داشته است که باعث ارتباطات مختلف فرهنگی و اقتصادی و سیاسی شده است.

اما در خصوص گفتمان، برای شکل گیری گفتمان جدید بی تردید باید قواعد گفتمانی رعایت شود و عواملی مانند ارزش‌ها، هنجارها، عناصرهایی را بیان کرد تا به حوزه گفتمان بیایند و باعث تشکیل گفتمان گردند و به عناصر و وقته‌ها هویت ببخشد. منظور از هویت بخشیدن در این مرحله نه به معنای بی هویت بودن کنشگران گفتمانی بلکه با توجه به اینکه هر کنشگر می‌تواند همزمان دارای هویت‌های مختلفی باشد و همچنین ارزش‌های موجود و مشترکات موجود که در فصول قبلی بررسی شد زمینه ترسیم گفتمان جدید و کمک به افزایش روابط بهتر را ترسیم کرد. با توجه به زمینه‌هایی که تغییرات جهانی شدن در قرن حاضر در اختیار بشریت گذاشته است. ایران و کشورهای حوزه ایران فرهنگی و چه بسا کشورهای بیشتری در جهان می‌توانند گفتمان پارادیپلماسی فرامرزی را با تاکید به مشترکات تاریخی و فرهنگی موجود، به کنشگران و بازیگران فروملی بهای بیشتری بدهند و زمینه جمع شدن منطقه‌ای

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.10.7]

این کشنگران را برای فعالیت‌های خرد و کلان و گروهی فراهم کنند تا شاهد روابط متفاوتی میان ملت‌های منطقه و جهان باشیم. کشورهای منطقه در این عرصه با چالش‌ها و در مقابل فرصت‌های زیادی روبه رو شده‌اند که اتخاذ هر نوع سیاستی برای مقابله و برخورد با آن نقش تعین کننده‌ای در سرنوشت آنها دارد. منطقه اکنون نیازمند افزایش بیشتر تعاملات درونی نه تنها توسط کنشگران دولتی بلکه توسط کنشگران غیر دولتی نیز می‌باشد که دستیابی به این هدف نیازمند برخی تدابیر از سوی دولت‌ها برای به میدان آوردن بازیگران فراملی است تا بتوانند به برخی از اهداف خود جامع عمل بپوشانند چرا که به نظر می‌رسد کنشگران فراملی بتوانند به تصویرسازی مثبتی در هم نوعان خود پرداخته و گام موثری را در ایجاد همگرایی و تعامل بیشتر ایجاد نمایند.

این امر نیاز به همت والایی از سوی دستگاه‌های دیپلماسی کشورها دارد همانطور که در ابتدای کار نیز بیان شد هیچگاه نمی‌توان منکر نقش و اداره دولت در امور سیاسی و بین المللی شد. اگرچه تاکید بر نقش کنشگران فروملی همچنان بر جای خود باقی است اما تاکید بر کمک دولت به این مسیر از آن جهت است که تا دولت اجازه چینی عمل‌هایی را ندهد نمی‌توان از به عرصه عمل کشاندن آن سخن گفت و صرفا در حد نظریه باقی خواهد ماند و چه بسا با عملگرایان در این زمینه نیز به عنوان متخلفان قانون برخورد شود. در هر حال اگر این امر صورت بپزیرد نه تنها زمینه برای از بین بردن برخی ناارامی‌های قومیتی و هویتی در کشورها فراهم می‌شود بلکه منجر به تبدیل تنش‌ها به فرصت و کمرنگ شدن تضادها می‌شود برای مثلا فلان قومیت با فراهم شدن زمینه‌ای برای همکاری‌های مختلف با قویت‌های متقابل خود در کشورهای دیگر و حتی قومیت‌های متفاوت در جهان احساس‌های گذشته خود را مبنی بر بی توجهی دولتمداران و حکومت به این قومیت را کاهش داده و اگر در هر حوزه هر قومیت، هر منطقه و یا هر کنشگرانی که تاثیرگذار باشند و باعث رونق و افزایش توسعه شوند به مرور شاهد نوعی همگرایی در توسعه میان کشورها و تحت تاثیر قرار گرفتن سیاست‌ها برای منافع بیشتر ملی هر کشور می شود. یکی دیگر از فواید این امر جلوگیری از خروج سرمایه‌ها و نخبگان می‌باشد. به نظر می‌رسد با عطف به تحولات منطقه‌ای و درگیری‌های موجود، کشورهای مختلف و مردمان منطقه چندان هم مخالف چنین روابطی نباشند تا بتوانند خسارت‌های چند

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.10.7]

بعدی تحولات کنونی را جبران نمایند و مشکلات منطقه‌ای کاهش بدهد. حتی در صورت به ثمر نشستن طولانی مدت این امر می‌تواند قدرت منطقه‌ای میان کشورها افزایش یافته و از وابستگی در برخی ابعاد اقتصادی به قدرت‌های مداخله‌گر و جهانی بکاهد.

شکل ۱)- ترسیم گفتمان منطقه گرایی پارادیپلماتیک با تاکید بر ایران فرهنگی

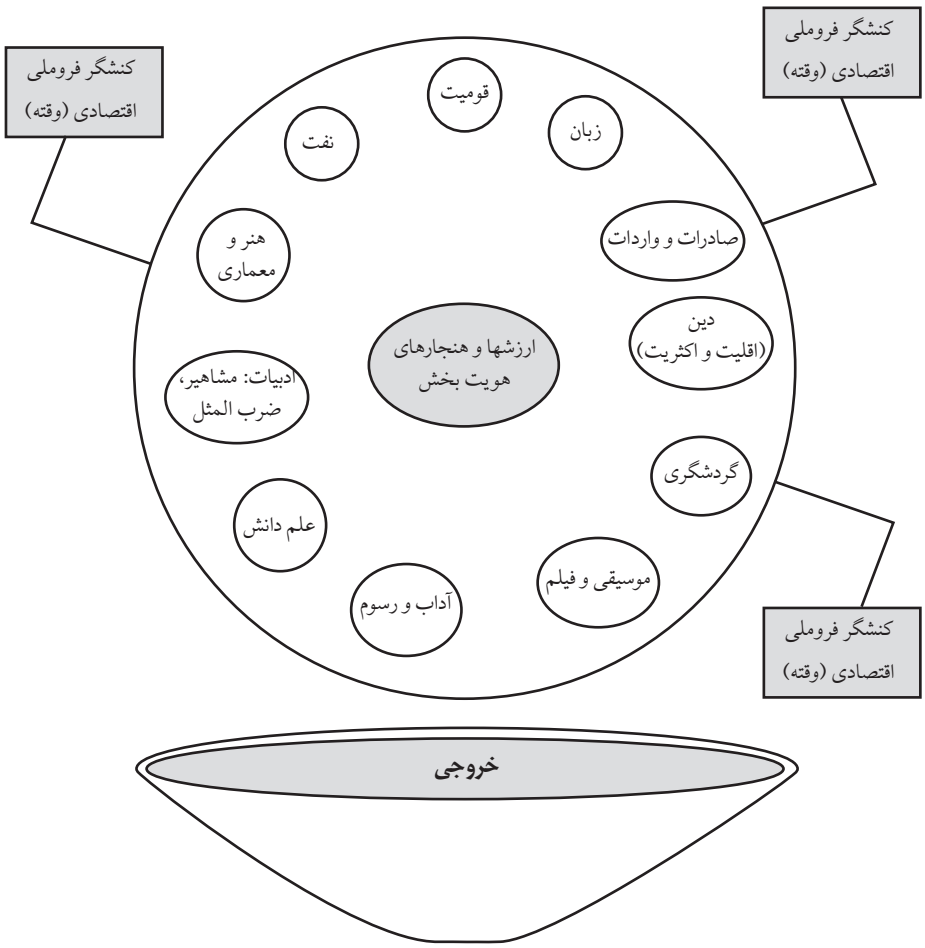

منطقه گرایی و گفتمان ایران فرهنگی توسط کنشگران فرامرزی(پارادیپلماسی فرامرزی)

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.10.7]

نتیجه گیری

مدل ارائه شده برگرفته از تمامی مطالب و بررسی‌های چندین فصل رساله است است که با بررسی نظریه پارادیپلماسی تلاش شد تا مدل جدیدی از نظریه پارادیپلماسی را با عطف به امکانات موجود و در دسترس، ارائه دهیم که در این مدل جدید مرزهای جغرافیایی برداشته و برای منطقه‌ای کردن پارادیپلماسی تاکید بر فرهنگ و اشتراکات فرهنگی از یکسو و توانایی و خواست بازیگران غیردولتی از سوی دیگر داریم. یکی از نیازهای به عمل رساندن این مدل شناسایی نیروهای متعامل و همسو در کشورهای چندگانه است. بنابراین اولین نیاز ضروری این مدل چه برای کشورهای مورد بررسی و چه برای کشورهای دیگر در قاره‌های دیگر وجود نیروهای فروملی و یا کنشگران فروملی متعامل و متمایل است. اگرچه در مدل پارادیپلماسی با مرز مشترک جغرافیایی فوایدی همچون کاهش قیمت و یا کاهش دوره زمانی را می‌توان بیان کرد اما به نظر نمی‌رسد با توجه به امکانات حمل و نقل حتی در سطح متوسط در برخی کشورها در شرایط کنونی فاصله زمانی مانع از فواید پارادیپلماسی منطقه‌ای شود.

در این مدل پس از بررسی کشورهای چندگانه حوزه ایران فرهنگی و قرار گرفته در منطقه یعنی « عراق، ترکیه، آذربایجان، ترکمنستان، پاکستان، افغانستان، تاجیکستان، ارمنستان،هند، گرجستان، قزاقستان» ارزش‌ها و هنجارهای موجود در این مدل و برای تشکیل گفتمان برگرفته از نتایج سنجش جامع ظرفیت-های فرهنگی و اشتراکات فرهنگی است که توضیح آن از ظرفیت این مقاله خارج است. قابل ذکر است که در این بررسی کشور روسیه نیز از جهت اشتراکات با کشورهای نام برده و ایران و همچنین توانایی فرهنگی و اقتصادی آن در منطقه به کشورهای نام برده اضافه نمودیم. هنجارها و ارزش‌های و موارد هویت بخش در این گفتمان عبارتند از زبان، هویت، دین اسلام، معماری و هنر، فیلم و موسیقی، خط، اداب و رسوم و جشن‌های مختلف مانند نوروز ، دانش و علم و ترجمه متون و کتاب، مفاخر مشترک و مورد توجه در منطقه که سنجش آنها به صورت اساسی در فصل مربوطه رساله صورت گرفته است. لذا این نتیجه بدست آمد که کشورهای نام برده هرچند با ظرفیت‌های متفاوت در هر بُعد و محور اما همچنان دارای اشتراکات فرهنگی نهادینه شده هستند. برای مثال در گروه‌های قومیتی و هویتی و یا در گویش‌های محلی در تمامی کشورهای مختلف گاه اکثریت مردم و گاه اقلیت مردم در کشورها

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.10.7]

وجود دارند. مورد دیگر مثلا در اداب و رسوم و جشن نوروز در اکثر کشورهایی که آن را جزیی از آیین باستانی و فرهنگ خود می-دانند شاهد برگذاری آن به صورت‌های مختلف هستیم و در کشورهایی هم که این آیین باستانی نیست اقلیت و اکثریت‌های دیگر در قالب علاقه و یا احترام به هم فرهنگ‌های خود آن را برگذار می‌کنند. شاید یکی دیگر از نمونه‌های بدست آمده که قوت خود را همچنان دارا است ادبیات و معماری باشد. همچنان مفاخر ادبی مانند مولانا، حافظ و سعدی و سایر ادیبان و مفاخر و یا سبک‌های معماری و ... در کشورهای مورد بررسی مورد توجه ملت‌ها هستند و بسیاری از کشورها آنان را نه یک مفاخر ایرانی بلکه جهانی می-دانند و ارادت خاصی و علاقه خاصی به آنها دارند. آنچه که در عرصه فرهنگی منجر به تاکید فرضیه پژوهش شده است تمایل گروه‌ها و قومیت‌های مشترک و حس همبستگی آنها به یکدیگر در سراسر این کشورها می‌باشد که با دیگر هم کیشان خود در فراسوی سرزمین‌ها حس هم هویتی و یا تشابهات هویتی دارند و این امر خود محرک اصلی روابط پارادیپلماتیک می‌باشد اگرچه ممکن است از نظر برخی سیاست-های دولت‌ها و حکومتی برخی مشکلات در برقراری این ارتباطات باشد ولی پیشنهاد بر این امر است که از این ظرفیت برای رشد بیشتر روابط و حتی از بین بردن برخی نگرانی‌های حکومتی استفاده شود. در زمینه اقتصادی نیز خروجی‌ها حکایت از مکمل بودن بسیاری از ابعاد نیازهای مردمان منطقه است که با به میدان امدن در مدل جدید و منطقه‌گرایی پارادیپلماتیک می‌توان شاهد انفجاری عظیم در پیشبرد اهداف اقتصادی بود. شاید یکی از بارزترین دلایل این امر تاثیر کنشگران اقتصادی فروملی موفق در کشورهای مختلف بر برخی تصمیم‌گیری‌های سیاسی باشد که در علم سیاست به آنها لابی و به عمل آنها لابی‌گری می‌گویند. نباید از این نکته غافل شد که قومیت‌ها و هویت‌های مشابه در منطقه از برخی جهات بهتر می‌توانند با یکدیگر به تبادلات اقتصادی بپردازند و شاید همین حس هم هویتی عِرق همگرایی و تعامل آنها را در به اولویت قرار دادن تبادلات تجاری با یکدیگر منجر شود.

کلام اخر آنکه با عطفه به استحاله جهانی شدن به نظر می‌رسد قومیت‌های مختلف فرهنگی پس از گشت و گذار در مرحله جهانی شدن اکنون بیشتر از جهانی شدن به منطقه‌گرایی تمایل پیدا کرده‌اند و شاید این امر بتواند کمکی بر تایید نظرات برخی نظریه پردازان در جهت بازگشت از جهانی شدن و تاکید بر منطقه‌گرایی داشت. بعید هم نیست که در اینده با موجی از جبهه بندی

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.10.7]

و منطقه‌بندی توسط کنشگران مختلف مواجه شویم. لذا در بررسی صورت گرفته بر وجود نیروها و کنشگران متعامل در میان کشورهای مورد بررسی مهر تاییدی زد که دقیقا مراد از پارادیپلماسی و ظرفیت‌های پارادیپلماتیک منطقه گرایی در وهله اول تمایل همین کنشگران می‌باشد که زمینه برا برای شکل گیری گفتمان و مدل جدید منطقه‌گرایی تحت عنوان منطقه‌گرایی پارادیپلماتیک را فراهم می‌کند.

توصیه‌های سیاستی

۱- توجه بیشتر دستگاه وزارت خارجه به کارکرد پارادیپلماسی (اگرچه اکنون کنشگران فروملی زیادی تحت قوانین دارای فعالیت هستند اما جمع اوری آنان تحت هویتی پارادیپلماسی گونه نه تنها در داخل کشور بلکه در خارج نیز مثمر ثمرتر واقع می شود)

۲- یکی از مزیت‌های ایجاد گروه‌های مختلف پارادیپلماتیک و هویت بخشی به آنان ایجاد رقابت و تلاش بیشتر مابین کنشگران برای اهدافشان است.

۳- شناسایی بهترین و فعالترین کنشگران فروملی از طریق استانداری‌ها و شهرداری‌ها و اتاق‌های بازرگانی

۴- استفاده از توانایی‌های انجمن‌های دوستی مابین کشورها چیزیکه در عمل دچار فراموشی شده است

۵- برگذاری نمایشگاه‌های مختلف فرهنگی برای معرفی بیشتر اشتراکات قومیتی و هویتی و تحیکم وابستگی و ترغیب وابستگی توسط کنشگران خرد با مشارکت چندین کشور منطقه (بخصوص کشورهای دەگانه مورد بررسی) به صورت دوره‌ای و فصلی در هر کشور یا شهر و حتی شهرستانی کوچک که اشتراکات مختلف با هم دارند، این نمایشگاه‌ها می‌توانند به صورت دوره‌ای در شهرهای دارای اشتراک منطقه باشند برای مثال قومیت لر در هر کشور چه بسا یک کشور اکثریت لر را داشته باشد و چه بسا یک کشور شهرستانی کوچک و لرتبار را دارا باشد و در همان شهرستان کوچک برگذار شود. این بین با عطف به هویت بخشی منطقه‌ای در بین کنشگران از طریق پارادیپلماسی نوع نگاه برخی از کنشگران به تصمیمات دول‌ها تغییر خواهد کرد

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.10.7]

۷- در صورت تقویت کنشگران فروملی چه بسا بر سیاست‌های یک دولت در برخورد با دولت دیگر در جهت کاهش چالش و تنش‌های منطقه‌ای تاثیر خواهد گذاشت

۸- ابتدا در داخل ایران تشکیل کارگروهی برای شناسایی کنشگران مفید فروملی و سپس پیشنهاد دستگاه وزارت خارجه ایران به کشورهای منطقه در خصوص ایجاد سازمانی منطقه ای برای رسیدگی به موارد پارادیپلماتیک و شناسایی ظرفیت‌های پارادیپلماتیک

۹- رواج گفتمان ناشی از پارادیپلماسی منطقه‌ای در منطقه

۱۰- این امر کمک به لابی پروری منطقه‌ای از طریق پارادیپلماسی فرامزی خواهد شد

موانع :

۱- شاید یکی از بزرگترین موانع عدم اعتماد کنشگران ملی و عدم توجیه آنان در خصوص وارد شدن و عمل کردن در حیطه گفتمان منطقه گرایی پارادیپلماتیک باشد که نیازمند برخی اقدامات موثر از سوی وزارت خارجه می‌باشد

۲- تحریم برخی کشورها از سوی برخی کشورهای غربی و مجامع جهانی که برای پاره‌ای از انها راه حل های همچون ایجاد بانک منطقه‌ای و یا تبادل و تجارت به غیر از دلار میان کشورها

۳- دومین مشکل برگرفته از اقدامات رقیبان منطقه‌ای زیادی است که در یک کشور با عطفه به حضور کمرنگ ایران در عرصه‌های فرهنگی و اقتصادی غیردولتی منجر به پررنگ شدن و گرایش آن مردم به رقیبان و سایر کشورهای دیگر شده است که انتظار می‌رود ایران برای جبران این عدم حضور از طریق کنشگران فروملی آن را برطرف نماید و انشالله شاهد درخشش بیشتر کشور عزیزمان ایران و روابط بیشتر منطقه‌ای باشیم.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.10.7]

منابع:

۱- اخوان کاظمی، مسعود و عزیزی، پروانه(۱۳۸۹). ژئوکالچر ایرانی در شبه قاره هند گستره جغرافیایی نفوذ فرهنگی و تمدنی ایران، فصلنامه مطالعات ملی، ۴۳، سال یازدهم، شماره ۳، صص۷۳-۱۰۰

۲- آلبر، ماله و ایزاک، ژوله(۱۳۶۳). تاریخ ملل شرق ویونان، ترجمه عبدالحسین هژیر، انتشارات علمی، تهران.

۳- حقیقت(رفیع)، عبدالرفیع(۱۳۸۹). تاریخ فرهنگ و تمدن ایران از کهن ترین زمان تاریخی تا عصر حاضر، تهران: کومش.

۴- جوادی، سارا(۱۳۸۴). سوداهای امریکا در طرح خاورمیانه بزرگ، فصلنامه راهبرد، شماره بهار

۵- کریمی ریابی، الهه(۱۳۹۷). نوروز و همگرایی فرهنگی، ایراس، موسسه مطالعات ایران و اوراسیا،

۶- ستوده، محمد(۱۳۸۷). جهانی شدن و همگرایی کشورهای اسلامی، فصلنامه علوم سیاسی، دوره ۱۱، شماره ۴۲، تابستان، صص ۱۱۶-۹۵.

۷- شریعتی¬نیا، محسن و توحیدی، زهرا(۱۳۹۳). همگرایی آسیایی فرصت¬ها و تهدیدات برای ایران، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین¬المللی.

۸- شکوهی، سعید و صفوی، عسگر(۱۳۹۸). پارادیپلماسی ابزار نوین تعامل دولت ایران با مناطق کرد نشین، پژوهش¬نامه ایرانی سیاست بین¬الملل، سال ۸، شماره یک، پاییز و زمستان، صص ۴۹- ۷۶.

۹- قدیانی، عباس(۱۳۸۱). کتاب تاثیر فرهنگ و تمدن ایران در جهان ، تهران : چاپ کامران

۱۰- مهرین، مهرداد (۱۳۳۸). تمدن ایران باستان، تهران: عطایی

۱۱-معینی الدینی، جواد (۱۳۸۶). طرح خاورمیانه بزرگ: الگوهای نوسازی بومی و گسترش همگرایی منطقه¬ای، دانشنامه حقوق و سیاسیت، شماره ۷، پاییز و زمستان، صص ۶۱- ۷۸.

۱۲-هتنه، بیوردن و آندراش، اینوتای و اوزوالدو، سونکل(۱۳۹۲). ترجمه علیرضا طیب، تهران : وزارت امور خارجه.

منابع خارجی

1- Abraham's son, Hans and Nilsson, Anders (1996). The Washington consensus and Mozambique (Goteborg: padrigu paper).

2- Hocking, B., 1993. Localizing Foreign Policy. Non-Central Governments and Multilayered Diplomacy. New York: St Martin’s Press

3- Martinez, Roberto Zepeda (2017). Paradiplomacy in North America: Canadian

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.10.7]

provinces, relations with their u's and Mexican counterparts, norteamerica, ano 12, numero, Julio-diciembre de.pp 88-109

4- Mattli, w (1999). Logic of regional integration: Europe and beyond. London: Cambridge university press.

5- Undp (2004) (United Nations for Development Programme) Decentralized Governance for development. A Combined Practice Note on Decentralization, Local Governance and Urban/Rural Development, New York

6- Weber, D (2010). Regional integration in East Asia and Europe. London: routledge

7- Zamorano, Mariano martin and Rodriguez morato, Arturo (2015), the cultural paradiplomacy of Barcelona since the 1980s: understanding transformations in local cultural paradiplomacy, CECUPS- center for research on culture, politics and society department of sociological theory- university of Barcelona.

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۰۰۴۰۳

به این مقاله این‌گونه ارجاع دهید:

خالقی نژاد، مریم؛ ساعی، احمد؛ نظری، علی اشرف (۱۳۹۹)، «منطقه‌گرایی پارادیپلماتیک با تاکید بر ایران فرهنگی» فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س۱۰، ش۴، زمستان ۹۹، صص ۷۰-۴۹.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.10.7]